

نقش اقتصادی زنان روستایی در آسیا

عبدالعظیم آجیلی - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز
مینا قربانی کلاهی - دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

چکیده

زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و از تولیدکنندگان عمده غذا و درآمد برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند. آنها تولیدکننده بخش مهمی از محصولات کشاورزی در جهان هستند. کشاورزی کشورهای در حال توسعه را عمدتاً زنان انجام می‌دهند. بررسی وضعیت خاص زنان و انواع محرومیت‌های تاریخی که بر آنان و به ویژه بر زنان روستایی تحمیل شده نشان می‌دهد که تحقق توسعه مستلزم توجه ویژه به زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه انسانی است. رعایت اصل عدالت و برابری در فراگرد توسعه اقتضا می‌کند که با مشارکت دادن زنان در فعالیتهای توسعه و بهره‌برداری از ظرفیتهای طبیعی آنان، آثار و منافع توسعه را به سمت آنان هدایت کرد تا زنان بتوانند بر محرومیتها و مشکلات گوناگون خود پیروز شوند. در حال حاضر نکته مهمی که مورد نظر و پذیرش سازمان ملل است. در آمار و ارقام جهانی نیز مطرح است، نقش مهم اقتصادی زنان روستایی در کشورهای آسیایی است. در حالی که متأسفانه از لحاظ میزان بهره‌مندی از امکانات از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند. مقاله حاضر در صدد تبیین اهمیت نقش زنان در فرایند توسعه و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی است و پیشنهادها و راهکارهایی نیز ارائه کرده است.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، توسعه اجتماعی اقتصادی، آسیا.

مقدمه

«ویل دورانت» می‌گوید:

«در اجتماعات روستایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده نه مردان، در آن هنگام که قرنهای متمادی مردان دائماً به طریقه‌های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه‌ها زراعت را ترقی می‌داده و هزاران هنر خانگی ایجاد می‌کرده که هر یک روزی پایهٔ صنعت بسیار مهمی شده‌اند.» (صفری شالی، ۱۳۸۱).

بیشتر برنامه‌ریزان توسعه معتقدند که عامل اصلی تغییر اجتماعی و رشد اقتصادی هر کشور، منبع انسانی است. در حدود نیمی از منابع انسانی رازنان تشکیل می‌دهند، آنها هدف اساسی و مسئلهٔ سیاست توسعه هستند. برای نمونه تعاونیهای در حال رشد زنان در تولید محصولات کشاورزی یکی از شاخصهای توسعهٔ اجتماعی است.

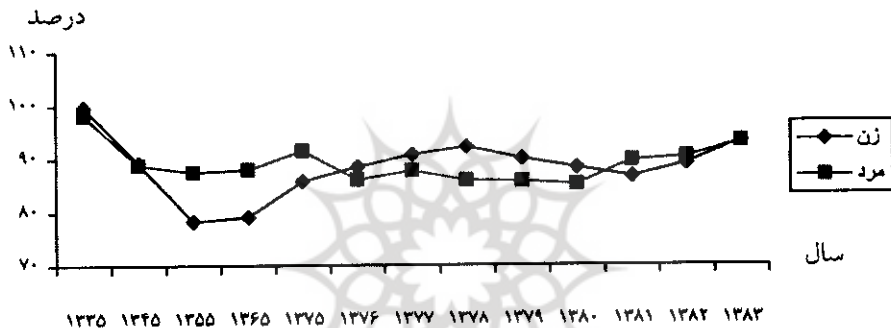
از آنجایی که بیشتر جمعیت ایران و کشورهای در حال توسعه، در مناطق روستایی ساکن هستند، و از طرفی زنان روستایی نیز نیمی از جمعیت روستایی کشور را تشکیل می‌دهند لذا تاثیر زیادی در فرایند تولید کشاورزی خواهند داشت. مشاهده شده که زنان روستایی در رویدادهای اقتصادی اجتماعی مزرعه و غیره حاضر هستند و در نقش عنصر و عضو فعال و دائم جامعه، کار می‌کنند. با وجود نقشهای چند جنبه‌ای، زنان در حد شایستگی شان، شناسایی نمی‌شوند و نقش آنان در توسعهٔ اقتصادی ناشناخته رها شده است (Zamiri, 2002).

در حال حاضر نکتهٔ مهمی که مورد نظر و پذیرش سازمان ملل است و در آمار و ارقام جهانی نیز مطرح است، نقش مهم زنان روستایی در فعالیتهای روزمره و آیندهٔ روستاهای کشورهای آسیایی است. در حالی که متأسفانه آنان به فراخور نقششان جایگاه مناسبی ندارند (عمادی، ۱۳۸۱). از این رو، عدالت اقتضا می‌کند که ضمن مشارکت دادن آنان در فعالیتهای توسعه و در کنار بهره‌برداری از ظرفیتهای طبیعی زنان شرایط بهره‌مندی آنان از آثار و منافع توسعه نیز فراهم شود تا بتوانند بر محرومیتها و مشکلات خود برتری یابند (قلی‌زاده، ۱۳۷۸).

اهمیت و ضرورت موضوع

طی دهه‌های متمادی، توسعهٔ اقتصادی، مهم‌ترین هدف جوامع و دولتها بوده است. دستیابی به اهداف توسعهٔ انسانی در گرو برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری مناسب و عملیات اجرایی از طریق سرمایه‌گذاری فراوان است. از مهم‌ترین شرایط تحقق توسعهٔ انسانی، ایجاد فرصتهای شغلی و برابری زن و مرد به منظور تقویت تواناییهای انسانی است. با توجه به وضعیت خاص زنان و محرومیتهای تاریخی آنان، تمرکز بر نقش ویژهٔ زنان به خصوص زنان روستایی، در برنامه‌ریزیهای توسعهٔ انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است. که در این جهت

اهمیت بررسی ابعاد مختلف زندگی آنها مشخص می‌شود. به‌طور کلی زن روستایی در روستایی‌کار نیست. از نظر او مشارکت در کاشت، داشت و برداشت جزئی از امور خانه‌داری است و آن را شغل یا حرفه‌ای جدا و منفک از خانه‌داری نمی‌داند. این امر باعث شده است سهم عمده‌ای از فعالیت اقتصادی جوامع روستایی، غیرفعال تلقی شود (آل ابراهیم دهکردی، ۱۳۸۱). نمودار ۱ نشان دهنده میزان اشتغال به تفکیک نقاط روستایی و جنس در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۳ است.



نمودار ۱- نرخ اشتغال به تفکیک نقاط روستایی و جنس (۱۳۳۵-۱۳۸۳)

(منبع: آل ابراهیم دهکردی، ۱۳۸۱)

از نظر تعدادی از پژوهشگران و صاحب نظران توسعه، تمامی افراد یک جامعه باید به اندازه مساوی در فرایند توسعه مشارکت کنند و از آثار و منافع آن نیز بهره‌مند شوند. به‌دیگر سخن، افراد باید خود در تصمیم‌های بنیادین مربوط به سلامتی، بهداشت و تنظیم امور اقتصادی مشارکت جویند و از نتایج آن به‌طور یکسان استفاده کنند. توسعه نباید به روشی اعمال شود که یک گروه نفع و گروه دیگر زیان ببینند. توسعه روستایی فراتر از توسعه اقتصادی یا فناوری است. توسعه روستایی، فراگردی اجتماعی است که منجر به تحول و دگرگونی کل ساختار روستایی می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۷۸).

تعاریف و مفاهیم

زن روستایی کیست؟

یکی از متخصصان آموزش بزرگسالان زیمبابوه، زنان روستایی این کشور را به این صورت شرح می‌دهد: «زنی آفتاب سوخته که پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های بسیاری او را احاطه کرده‌اند، اغلب باردار است، کوزه‌های آب بر سر، کوله‌ای هیزم بر پشت و فرزندى بر بغل دارد یا بر شکم، فقط زبان مادری و آباء و اجدادی خود را تکلم می‌کند، زبان رسمی رانمی‌شناسد، نه خواندن بلد است و نه نوشتن، برای گذراندن امور خانه یا پولی ندارد یا مقدار آن ناچیز است، به خدمات اجتماعی و بهداشتی دسترسی ندارد، همسرش را به ندرت در خانه می‌بیند» (همان). این توصیف، چهره زن روستایی بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه را به یاد می‌آورد که در فقر مهلک و بی‌سوادى مزمن به سر می‌برند. جمعیت آنان به بیش از نیم میلیارد نفر می‌رسد که هر روز به شیوه‌ای خستگی‌ناپذیر برای بقای خود و خانواده مبارزه می‌کنند. این زنان، نیروی عظیم کار غیر رسمی را تشکیل می‌دهند و سهم عمده‌ای در تولیدات کشاورزی سنتی دارند. جدول نشان‌دهنده متوسط رشد جمعیت به تفکیک جنس در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ است.

جدول ۱- متوسط رشد جمعیت به تفکیک جنس (۱۳۳۵-۱۳۸۵)

| سال | زن | مرد |
|---------|------|------|
| ۱۳۳۵-۴۵ | ۲/۹۳ | ۳/۳۱ |
| ۱۳۴۵-۵۵ | ۲/۸۷ | ۲/۶۴ |
| ۱۳۵۵-۶۵ | ۳/۹۸ | ۳/۸۳ |
| ۱۳۶۵-۷۵ | ۲/۰۳ | ۱/۹ |
| ۱۳۷۵-۸۵ | ۱/۵۲ | ۱/۵۸ |

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵-۱۳۸۵)

روستا

روستایستگاه گروهی از مردم است که در خارج از محدوده شهرها قرار دارد و با مشخصات جمعیتی معین، جامعه‌ای مستقل و دارای هویت خاص فرهنگی، تاریخی، اقلیمی،

جغرافیایی، اقتصادی است که با اتکا بر نظامهای بهره‌برداری و مدیریت محلی با عرضه فعالیت‌های کشاورزی اداره می‌شود (حریقی، ۱۳۸۱).

نقش زنان روستایی در اقتصاد روستا

نقش زنان روستایی در اقتصاد خانواده بر خلاف خانواده شهری بسیار درخور توجه است. زن روستایی نیز وظایف خانوادگی و تولیدی بسیار مهمی دارد. او هم همسر و هم جزء گروه کار تولیدی محسوب می‌شود، اما متأسفانه به نظر غالب صاحب‌نظران مسائل روستایی، زنان روستایی، علی‌رغم نقش مهمشان به دلایل مختلف، کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل توسعه روستایی واقع شده‌اند.

بر اساس آمارهای موجود زنان روستایی، بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی و روستایی جهان هستند. برای نمونه در مناطق شمالی ایران که زراعت برنج رایج است، به دلیل حجم کار، تقسیم کار جنسیتی به گونه‌ای است که زنان بیش از ۶۰ درصد مراحل تولید این محصول را برعهده دارند، یاد منطقه گرگان سهم زنان در برداشت پنبه ۶۶ درصد گزارش شده است (شکور، ۱۳۸۱).

نقش زنان روستایی در تولید محصولات کشاورزی

برخی از آمارهای (غیر رسمی) سهم زنان در فعالیت‌های کشاورزی را ۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه‌های روغنی و ۳۰ درصد در امور داشت باغات ذکر کرده‌اند. به طور کلی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی نقاط مختلف جهان، بستگی به خصوصیات فرهنگی مناطق، نوع نظام بهره‌برداری از اراضی، ترکیب اعضای خانوار، نوع فعالیت کشاورزی، خصوصیات طبیعی منطقه و عوامل اقتصادی و اجتماعی دارد (همان).

مطالعات FAO تاکید می‌کند، تا زمانی که زنان ستون اصلی کشاورزی مقیاس کوچک، نیروی کار کشاورزی و معاش روزانه خانواده هستند، نسبت به مردان مشکلات بیشتری در دسترسی به منابع مانند زمین، اعتبار و نهاده‌های افزایش تولید و خدمات دارند. دسترسی محدود زنان به منابع و قدرت خرید ناکافی، گروهی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وابسته به هم را ایجاد می‌کند که منجر به اجبار آنان به ایفای نقش فرعی می‌شود که نتیجه آن تحدید توسعه آنهاست (FAO, 1996a).

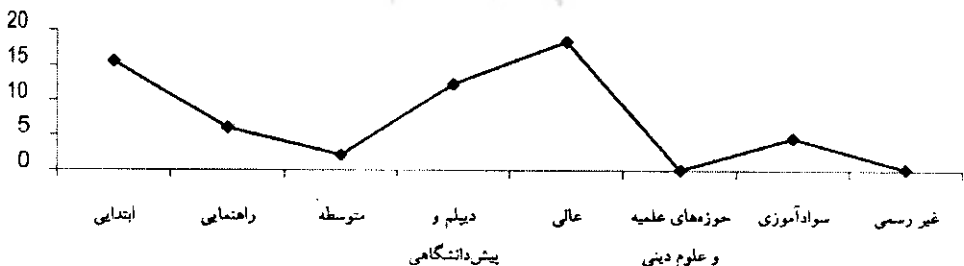
بعد از کنفرانس زنان در مکزیکو (۱۹۷۵)، ابتکارات بین‌المللی و تلاشها برای تشخیص وسیع‌تر مشارکت کلیدی زنان در روستا و دیگر حیطه‌های توسعه، افزایش یافت. نبود داده‌های آماری براساس جنسیت، تکنسین‌ها، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را مجبور به

بررسی و شناسایی نقش مؤثر زنان در کشاورزی می‌کند. بنابراین اولین مرحله در جهت توانمندسازی زنان و مشارکت کامل در توسعه روستایی و راهبردهای توسعه امنیت غذایی، پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌های متراکم جنسیتی، برای فهمیدن تفاوت نقشها در تولید غذا و محصولات نقدی است.

تعداد خانوارهای با سرپرست زن، در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، به دلیل مهاجرت مردان روستایی، بیکاری و دیگر موقعیتهای تولید در آمد، در حال فزونی است. در صحرای افریقا، زنان، ۳۱ درصد از خانوارهای روستایی را سرپرستی می‌کنند. در حالی که در آمریکای لاتین، کارائیب و آسیا به ترتیب ۱۷ درصد و ۱۴ درصد زنان، سرپرست هستند. در اغلب کشورها خانوارهای با سرپرست زن جزء طبقه‌های فقیرتر جامعه هستند و اغلب درآمدهای پایین تری نسبت به خانوارهای با سرپرست مرد دارند. مشکلات خانوارهای با سرپرست زن در مناطق روستایی متناسب با دسترسی آنها به منابع تولیدی، متفاوت است (FAO, 1994 b).

به رغم نقش زنان کشورهای در حال توسعه، در تهیه و تولید غذا برای مصرف خانواده‌ها، دسترسی آنان به منابع و خدمات محدود باقی مانده است. هر چند در بیشتر کشورهای در حال توسعه مردان نیز به منابع مناسب و کافی دسترسی ندارند. اما دسترسی زنان به خاطر عوامل فرهنگی، سنتی و اجتماعی، محدودتر است (FAO, 1994a).

با وجود افزایش مداوم جمعیت زنان سرپرست خانوار تنها ۲ درصد آنان صاحب زمین هستند. برنامه‌های اصلاحات ارضی، حقوق انحصاری زمین را به مردان به عنوان سرپرستان خانوار منتقل کرد و وجود خانوارهای با سرپرست زن و حقوق زنان ازدواج کرده را به عنوان شریک زندگی نادیده گرفت. نمودار ۲ میزان اشتغال زنان را به تفکیک سطح سواد و تحصیلات در سال ۱۳۸۱ نشان می‌دهد.



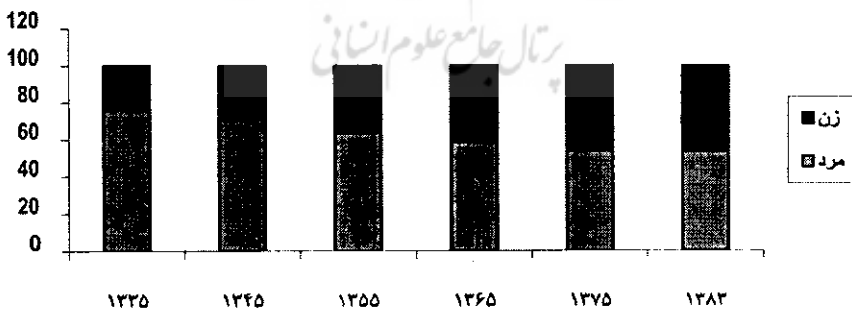
نمودار ۲ - میزان اشتغال زنان به تفکیک سطح سواد و تحصیلات در سال ۱۳۸۱

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵-۱۳۳۵)

دسترسی زنان به نهاده‌های مبتنی بر فناوری مانند بذرها اصلاح شده، کودها و سم محدود است، آنان اغلب به خدمات ترویج دسترسی ندارند و به ندرت عضو تعاونیها هستند، در حالی که در اغلب این تعاونیها، نهاده‌های یارانه‌ای دولتی میان کشاورزان کوچک توزیع می‌شود. علاوه بر این، اغلب در آمد نقدی کافی نیز برای خرید نهاده‌ها، حتی به صورت یارانه‌ای هم، ندارند.

بی‌سوادی مسئله دیگری است که وضعیت زنان را متاثر می‌سازد. دو سوم از جمعیت یک میلیاردی بی‌سواد جهان را، زنان و دختران تشکیل می‌دهند. ارقام در دسترس نشان می‌دهد که مخاطب تنها ۵ درصد از خدمات ترویج، زنان هستند و تنها ۱۵ درصد از مروجان، زن هستند. علاوه بر این تمرکز بیشتر خدمات ترویج، بر روی محصولات غذایی نقدی به جای محصولات غذایی و معیشتی است. علی‌رغم وجود ارتباط عمده و مهم بین زنان کشاورز و امنیت غذایی، به دلیل نقش محدود و سنتی زنان در فرایند تصمیم‌گیری در سطوح خانواده، روستا و کشور، در بیشتر فرهنگها، نیازها و علایق آنان کمتر در فرایندهای سیاست‌گذاری و قانونهای کاهش فقر، امنیت غذایی و پایداری محیطی منعکس می‌شود. علت اصلی محرومیت و جلوگیری از فرایندهای تصمیم‌گیری، به نقشهای تولیدی زنان بر آنان مربوط می‌شود (FAO, 1994 b).

مطابق نمودار ۳ سطح سواد زنان در مقایسه با مردان پایین‌تر است، با این وجود وضعیت آنان در حال بهبود است.



نمودار ۳- توزیع نسبی جمعیت باسوادان به تفکیک جنس (۱۳۳۵-۱۳۸۵)

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵-۱۳۳۵)

همچنین تعداد کمی از زنان به نتایج تحقیق و نوآوری، به ویژه در حیطه محصولات غذایی دسترسی دارند. ضمن آنکه در فناوریهای اصلاحی که سبب جابه جایی یا افزایش کار می شود، نیز اغلب نیازها و نقشهای زنان کشاورز نادیده انگاشته می شود. تحقیق در آسیا، افریقا و امریکای لاتین، نشان داد که بهبود امنیت غذایی خانواده و تغذیه با دسترسی زنان به درآمد و نقش آنها در تصمیمات خانواده در مورد هزینه ها، ارتباط دارد. زنان مجبور هستند اغلب در آمدشان را صرف غذای خانواده و تهیه نهاده های مصرفی در تولید غذا کنند. در آمد زنان از اشتغال کشاورزی و غیرکشاورزی و از طرق دیگر در آمد، اهمیت ویژه ای برای خانوارهای روستایی کم زمین و بی زمین دارد. بنابراین برای بهبود تولید غذای خانواده، افزایش در آمد زنان از راه مشارکت دادن آنان در تولید بازار، باید تقدم داشته باشد (FAO, 1994a).

در مناطق روستایی، بروز جنایات خانوادگی، واقعیتی اساسی است. برای ریشه کن کردن این موقعیت ناموجه، کار آموزشی با واحد خانواده ضروری است. برای اطمینان از رعایت حقوق آنها، زنان باید به فضاهای قانونی دسترسی داشته باشند. به هر حال موانع بی شماری برای دسترسی به عدالت به ویژه برای زنان ساکن در مناطق روستایی دور دست وجود دارد (Rural Women Zone, 2005). فرایند توسعه در مناطق روستایی بر نقشهای اجرایی زنان در زندگی اقتصادی و اجتماعی روستا، آثار منفی گذاشته است. تغییرات و تحولات ناشی از توسعه، نتایج مختلفی را پدید آورده است. فناوری جدید جایگزین نقشهای گوناگون زنان شده است و در واقع با ابزار ماشینی و زمان ذخیره کن، کارهایی انجام می شود که معمولاً زنان آنها را با ابزار سنتی و با صرف زمان بیشتر، انجام می دادند. نبود دانش و اطلاعات لازم و کمبود سرمایه و وجود فقر شدید، سبب شده است تا زنان به تقریب در هیچ زمینه ای به نوآوری و اختراعات مبتنی بر فناوری، دسترسی نداشته باشند. افزون بر این، زنان در اثر توسعه، نقشهای مهم تولیدی، منبع در آمد و ارزش مبادله را از دست داده اند و خانواده باید پول بیشتری هزینه کند تا کالاهای جایگزین گران را برای رفع نیازهای ضروری خود به دست آورد (قلی زاده، ۱۳۷۸). یکی از نتایج تاسف آور نوسازی در کشاورزی، کاهش دستمزد زنان فقیر روستایی به علت معرفی فناوریهای جدید است. زیرا آنان وظایف این فناوریها را به طور سنتی انجام می دادند. برای نمونه کاهش کارها در برداشت محصول، به علت ورود ماشینهای برداشت بود. در «بنگلادش» بیشتر زنان در کارهای نشا و برداشت برنج، فعالیت اساسی داشتند و بیشترین مزد را دریافت می کردند، در حالی که بعد از معرفی ماشین آلات، این کارها را مردان انجام می دهند. در «جاوا»، بعد از استفاده از وسایل موتوری در کاشت برنج، ۱/۲ میلیون زن بدون زمین که در کار نشای دستی برنج فعالیت داشتند از کار بیکار شدند (FAO, 1994 b). به

دلیل نقش مهم زنان در تولید محصول لازم است که از طریق ترویج و آموزش به اطلاعات دسترسی داشته باشند. به خصوص در مناطقی که اختلاف جنسیتی در انجام کارها وجود دارد. با این حال، شواهد جهانی نشان می‌دهد که اطلاعات ترویجی که به یکی از اعضای خانواده منتقل شده است اغلب به فردی که عملاً کارها را انجام می‌دهد انتقال نمی‌یابد. در «مالوی»، زنان می‌گویند که همسرانشان به ندرت اطلاعات ترویجی را به آنها منتقل می‌کنند. پیمایشی در «بورکینافاسو» نشان داد که، تنها ۱ درصد زنان پیامهای ترویجی را از طریق همسرانشان می‌شنوند. مردان «زامبیایی» نیز، سنجشهای کودی را که از بخش ترویج دریافت کرده بودند، به زنان که عملاً به محصولات کود می‌دهند، منتقل نمی‌کردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مناطقی که زنان بر روی زمینها و دارایی‌هایشان کار می‌کنند، به وضوح به آموزش و ترویج نیاز دارند (ibid.).

دلایل توجه به نقش زنان در فرایند توسعه

نقش زنان در توسعه روستایی پایدار، در آسیا و اقیانوس آرام، حیاتی است. اهداف هزاره سازمان ملل تنها از طریق درک و فهم هدف توانمندسازی زنان، تحقق پذیر است. اهداف هزاره سازمان ملل، بهبود تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان را راههای مؤثر برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری و عامل تحریک توسعه پایدار اعلام کرده است (FAO, 2003). با این وجود زنان به رغم داشتن نقش اساسی در تولید غذای بین‌المللی، در مناطق روستایی، گروههای حاشیه‌ای محسوب می‌شوند. آنان در کشورهای افریقایی، آسیایی و آمریکایی به ترتیب، ۸۰ درصد، ۶۰ درصد و ۴۰-۳۰ درصد سهم تولید مواد غذایی را برعهده دارند. بنابراین ضروری است که بر حقوق زنان در مناطق روستایی، برای ایجاد موقعیتهای و حقوق مساوی تاکید شود (Rural Women Zone, 2005).

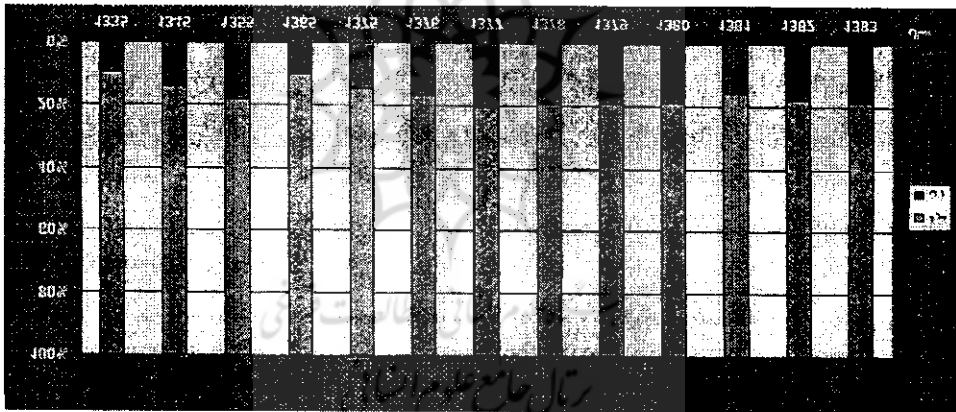
سازمان ملل متحد و بیشتر مجامع بین‌المللی، ضرورت اقدامات سریع برای ایجاد برابری میان مردان و زنان را در روند توسعه کشورهای جهان سوم گوشزد می‌کنند و از تمامی زنان دعوت می‌کنند تا صادقانه و فعالانه در فعالیتهای مربوط به توسعه مشارکت کنند. ظاهراً تلاشهای توسعه طلبانه سالهای اخیر، منجر به نادیده انگاشتن شیوه زندگی زنان و تغییر نقش سنتی آنان شده است.

نقش زنان در روند توسعه، ساده نیست. فعالیت آنها در فرایند توسعه به زنجیره‌ای از تلاشهای اجتماعی اقتصادی مربوط می‌شود. زنان علاوه بر انجام فعالیتهایی مانند اجتماعی

کردن کودکان و اداره خانه (مکانی که در قبال انجام امور خانه داری، مزدی دریافت نمی کنند)، قدرت باروری نیز دارند که در هیچ موردی در نظر گرفته نمی شود (قلی زاده، ۱۳۷۸).

نقش زنان در کشاورزی ایران

بر طبق آمارهای بانک جهانی، ایران تا سال ۱۳۷۰، حدود ۸/۵ درصد از زنان روستایی را فعال اقتصادی در نظر گرفته است ولی تحقیق و مشاهده میدانی حاکی از بیشتر بودن این تعداد است. به دلیل ناکافی بودن درآمد کشاورزی در ایران، برای معیشت فعالیتهای غیر کشاورزی زنان روستایی مانند فرش بافی و دیگر صنایع برای بقا خانواده مهم است. در نمودار ۴ دیده می شود که در میان جمعیت روستایی زنان فعالیت اندکی دارند، اما باید به این نکته نیز اشاره کرد که اغلب فعالیتهای آنان را از نظر اقتصادی در آمدزا در نظر نگرفته و تنها جزئی از وظایف روزانه تلقی کرده اند.



نمودار ۴- توزیع نسبی جمعیت فعال روستایی ده ساله و بیشتر به تفکیک جنس (۱۳۳۵-۱۳۸۵)

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵-۱۳۳۵)

هر چند فعالیتهای کشاورزان در ایران از لحاظ جنسیتی و به طور متراکم و منسجم وجود ندارد، مطالعات موردی و مشاهدات نشان می دهد که، زنان در مراحل مختلف تولید محصول شامل کاشت (به خصوص برنج)، وجین کردن، کنترل آفت، درو، فراوری و بازاریابی مشارکت دارند. آنان ضمناً عهده دار نقشهای مهمی در پرورش دام و تولید لبنیات و فراوری و بازاریابی ماهی هستند. این فعالیتهای در مناطق مختلف و بر اساس محصولات تغییر می کند.

هر چند مکانیزاسیون از کار زنان در بخش کاشت کاسته است، اما فرصتهایی را نیز برای آنان در زمینه استخدام و اشتغال در فراوری غذا و تولیدات حیوانی، فراهم کرده است (FAO, 1996B). بیشتر تصمیمات مربوط به غذا و دیگر محصولات را در ایران، مردان می‌گیرند، هر چند زنان نیز گاهی اوقات در تصمیمات مربوط به مازاد تولید و استفاده از درآمد محصولاتی مانند چغندر قند، حبوبات و میوه‌های باغی مشارکت دارند. در تصمیمات مربوط به طیور، زنان و مردان به طور مساوی مشارکت می‌کنند، با این وجود زنان نسبتاً قدرت تصمیم‌گیری کمتری دارند. در سطح محلی، زنان مسن جایگاه ویژه‌ای دارند و نظریات آنها در تصمیم‌گیری خانواده، مهم تلقی می‌شود.

در ایران سازمانهای غیر دولتی زیادی از زنان حمایت می‌کنند؛ از جمله کمیته امداد امام خمینی که به فقرای شهری و روستایی کمک می‌کند. وظیفه جامعه اسلامی زنان، توسعه و بهبود جایگاه زنان در جامعه است و فعالیتهای روستایی (آموزش زنان، توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست) را بر عهده دارد. این مرکز آگاهی را در بین افراد توسعه می‌دهد. همچنین، مرکزی را برای بازاریابی ملی و بین‌المللی تولیدات زنان فراهم می‌کند (ibid.). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تساوی رفتار بین زنان و مردان، تعهد شده است. بر طبق قوانین اسلامی، همه انسانها و زنان، با قوانین فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکسان و متناسبی اداره می‌شوند. این قوانین دولت را به حمایت از حقوق زنان، ارزشهای خانوادگی، حقوق جسمانی و حمایت، ملزم می‌کند. در قانون مدنی مردان و زنان باید از حقوق مساوی در مالکیت زمین، دام، موقعیتهای استخدام، منافع امنیت اجتماعی و استفاده از اعتبارات و وام برخوردار باشند. دولت همچنین باید برنامه‌های آگاهی‌دهنده در رادیو و تلویزیون تهیه کند.

هر چند محدودیت قانونی برای مالکیت زنان وجود ندارد اما تعداد کمی از آنان صاحب زمین هستند. هنگامی که زنان بر روی زمین خودشان کار می‌کنند، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، مانع از آن می‌شود که بتوانند آزادانه به دنبال وام یا مراجعه به سازمانهای دولتی باشند. وامهایی که در بانک کشاورزی پرداخت می‌شود معمولاً برای خرید یارهن زمین است در حالی که زنان معمولاً صاحب زمین نیستند. البته در سالهای اخیر، بانک کشاورزی، اعتبارات زنان قالیباف و اعضای زن جوامع تعاونی را افزایش داده است. در سال ۱۳۷۴ پانزده درصد از گیرنده‌های اعتبارات بانکها، زنان بودند.

متأسفانه زنان روستایی ایران تاکنون به رغم آنکه یکی از ستونهای مرکزی خانواده‌های روستایی هستند، در برنامه‌های توسعه جدی گرفته نشده‌اند. بنابراین، در اولین گام باید ارزیابی دقیق و درستی از وضعیت زنان و تواناییها، محدودیتهای و محرومیتهای آنان در ابعاد

مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عمل آید (FAO, 1995). با وجود نقش مهم زنان در تولید کشاورزی و کمک به درآمد خانوار، تعداد متناسبی از مروجان زن در این بخش وجود نداشت. هیچ یک از مروجان استخدام شده در سال ۱۳۸۲ زن و پایین تر از سطح کارشناسی نبوده‌اند، زیرا امکانات آموزشی همپای مردان برای زنان وجود نداشت. هیچ یک از ۲۶ مرکز آموزش کشاورزی به زنان اختصاص نیافته بود. علاوه بر این بخش ترویج زنان روستایی سالها از بخشی به بخش دیگر منتقل می شده و انسجام کاری نداشته است. با این حال در چند سال اخیر تلاشهای ستودنی برای تثبیت و برقراری خدمات ترویج زنان روستایی انجام شده است. در برنامه‌های آینده این بخش پیش بینی شده است که تعداد مروجان از ۳۰۰۰ نفر به ۹۰۰۰ نفر افزایش یابند و متناسب با فعالیتهای کشاورزی زنان و مردان، بین کارمندان زن و مرد نیز، تناسب وجود داشته باشد. در اهداف بلندمدت ایران برنامه ایجاد مراکز آموزش کشاورزی نیز گنجانده شده است (ibid.).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با بررسی منابع آماری و نیز دیدگاههای افراد مختلف می توان دریافت که زنان روستایی با وجود انجام کارهای مهم در اغلب برنامه‌های توسعه‌ای فراموش شده‌اند و برای بهبود وضعیت آنان اقدامی انجام نشده است. امروزه از مهم ترین مشکلات بر سر راه مشارکت زنان در امور مربوط به توسعه روستا، مشکلات آموزشی و اقتصادی است که این دو مشکل بارز می تواند تابعی از موارد مذکور باشد. بنابر آنچه عنوان شد می توان دریافت که زنان روستایی همواره نقش عمده‌ای در روند تغییرات در اقتصاد و ساختار جامعه روستایی برعهده داشته و دارند. این در حالی است که نقش آنان به عنوان مریبان در خانه نیز در حقیقت زمینه‌ساز پرورش انسانهای مفید و سازنده برای جامعه روستایی خواهد بود و این امر ضرورت توجه مجریان و برنامه‌ریزان برنامه‌های توسعه روستایی را به این گروه بیش از پیش آشکار می سازد. بنابراین برنامه‌ریزان توسعه کشور باید برای بهبود وضعیت این گروه از جامعه، تحول اساسی در دیدگاههای خود ایجاد و براساس شرایط واقعی و موجود در روستا به برنامه‌ریزی و اصلاح ساختارهای موجود مبادرت نمایند. با توجه به موارد فوق برای بهبود وضع زنان و تسریع فرآیند توسعه می توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد (Rural Women Zone, 2005; FAO, 2003, 1994a).

- اطمینان از اینکه زنان با مردان برای به دست آوردن زمین موقعیت مساوی دارند.
- تسهیل دسترسی زنان به خدمات کشاورزی و خدماتی که مورد نیاز آنهاست.
- بهبود و سازگاری نهاده‌ها و فناوری برای آزاد کردن زمان زنان در فعالیتهای درآمدزا.
- بهبود جایگاه تغذیه‌ای زنان.

- فراهم کردن اشتغال بهتر و موقعیتهای کسب در آمد.
- توجه بیشتر به مناطق روستایی و تلقی زنان به عنوان مروجان تغییر و بهبود در جامعه.
- از هم پاشیدن شرایط اقتصادی جاری و تصورات اجتماعی غلط در مورد فرهنگ اهداف تساوی جنسیتی.
- اختصاص منابع ملی در حال افزایش برای اشتغال زنان در پستهای وزارتی و اختصاص اعتبارات برای توجهات جنسیتی در بخش برنامه‌های توسعه.
- ایجاد محیط مناسب برای توسعه زنان با تدوین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و توانمندسازی آنان در جهت درک ظرفیتهایشان.
- بهره‌مندی زنان از همه حقوق انسانی و آزادیها، متناسب با مردان در تمام جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- دسترسی مساوی به مراقبتهای بهداشتی و آموزشی برابر در همه سطوح، اشتغال، پاداش مساوی، بهداشت شغلی و ایمنی اجتماعی.
- گسترش دانش در میان زنان روستایی با هدف انتقال نسل به نسل اطلاعات و آگاهیها.
- تقویت ظرفیت زنان با مشارکت دادن کامل و فعال آنان در سازمانهای کشاورزی و اجزای تصمیم‌گیری.
- سازماندهی و بهبود ساختار زنان در سازمانهای کشاورزی.
- سازماندهی کارگاههای آموزشی با حمایت مشارکت‌کنندگان خارجی با هدف بهبود تولید و رقابت زنان کشاورز.
- آموزش به منظور بهبود بازاریابی و دسترسی به بازارهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی.
- توسعه برنامه‌ها در مراکز تحقیقاتی در نظر گرفته شده برای تقویت زنان.
- ختم کلام اینکه برابری مرد و زن در فرایند توسعه، بدین معنا نیست که آنها نقش مساوی ایفا کنند و تمام تفاوت و اختلافشان نیز از میان برود، بلکه از میان رفتن تمام تفاوت‌های اجتماعی بین دو جنس نه منطقی و نه رسیدنی است. زنان در هر موقعیتی، باید فرصتهای برابر برای پیشرفت، تحرک و استقلال اقتصادی داشته باشند. همچنین آنها باید جرات و قدرت داشته باشند تا آینده خود را آن طور که دوست دارند رقم بزنند، یعنی دلیل و علت نهایی تمام محرومیتهای زنان باید به صورت عینی و ذهنی از سوی پژوهشگران مشخص گردد.
- تصور و احساس زنان روستایی درباره خود باید شناسایی شود. کارشناسان و برنامه‌ریزان توسعه باید دیدگاهها، آرزوها و انگیزه‌های آنها را شناسایی کنند. تلاش شود تا زنان تحرک بیشتری در زمینه‌های مختلف پیدا کنند و نقش خود را در امر تولید و امور خانه‌داری، به بهترین وجه ایفا نمایند.

منابع

- ۱- آل ابراهیم دهکردی، ب. (۱۳۸۱)، «دلایل اولویت بخشی به زنان روستایی در برنامه ریزی کلان». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، جلد اول. چاپ دوم، تهران: انتشارات آوام گرافیک.
- ۲- حریقی، ف. (۱۳۸۱)، «نقش توانمندسازی مالی زنان روستایی در توسعه روستایی با تکیه بر ایجاد تشکلهای اقتصادی در کشور و تطبیق آن با الگوهای موفق در سایر کشورها». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، جلد اول. چاپ دوم، تهران: انتشارات آوام گرافیک.
- ۳- شکور، غ (۱۳۸۱)، «دلایل اولویت بخشی به زنان روستایی». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، جلد دوم. چاپ دوم، تهران: انتشارات آوام گرافیک.
- ۴- صفری شالی، ر. (۱۳۸۱)، «نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی». مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، جلد دوم. چاپ دوم، تهران: انتشارات آوام گرافیک.
- ۵- عمادی، ح. (۱۳۸۱)، «مشارکت زنان در توسعه روستایی». مجموعه مقالات اولین سمینار اشتغال زنان روستایی، (فرصتها و محدودیتها). چاپ دوم، تهران: انتشارات آوام گرافیک.
- ۶- قلی زاده، آ. (۱۳۷۸)، «بررسی علل نادیده گرفتن نقش زنان در فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه». مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۲۷. صص ۱۷۱-۲۰۳.
- ۷- مرکز آمار ایران (سالهای ۱۳۸۵-۱۳۳۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن (سالهای ۱۳۸۵-۱۳۳۶). قابل دسترسی در: www.sci.org.ir.

8- FAO(1995), **FAO Regional Plan of Action for Women in Agriculture in the Near East.**

9- FAO(2003), "Policy and institutional frame work for promoting the role of women in rural development in the Asia and Pacific region". available at: <http://www/SD people>.

10- FAO(1996a), "Women, agriculture and rural development, Iran". available at: <http://www.SD people fact sheet women.htm>.

11- FAO(1996b), "Women, agriculture and rural development, United Republic of Tanzania". available at: <http://www/SD pepole fact sheet women.htm>.

12- FAO(1994a), **Women and Food Security.** Roma: FAO, Women and Population Division Sustainable Development Department.

- 13- FAO (1994 b), **Women and Green Revolution**. Roma: FAO, Women and Population Division Sustainable Development Department.
- 14- Rural Women Zone (2005), "What rights for women as rural citizens?" available at: <http://www.ruralwomyn.net/report-one>.
- 15- Zamiri, A (2002), **Role of Women in Iran Rural Development**. Kassel: University of Kassel.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی